

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال نهم، شماره هفدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۱)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهاوندی

دبیر تحریریه:

مهدی مقدادی داودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

علی اصغر کاویانی

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵

دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال



Commandment and First Ruling on Polygamy

Mahdi Kāzemi¹

Abstract

In Islam, permanent marriage with more than one woman (up to four women) is not prohibited and on the other hand, it is not obligatory. However, there are different opinions among the jurists regarding the fact that the first and commandment ruling (Ḥokme Awwali wa Taklifi), regardless of special conditions, is whether recommendation (Istihbāb), abominable (Makruh), or permissible (Mobāḥ). Although there have been many discussions and researches about polygamy; less attention has been paid to its commandment ruling (Ḥokme Taklifi) and discussions such as the philosophy of polygamy, the condition of justice, etc. have been examined more. Therefore, it is necessary to examine in detail the ruling on polygamy, which there is a great difference among jurists, and finally to answer the important question of what is the first and commandment ruling on polygamy. This article tries to answer this question by using library sources and descriptive-analytical method, and the result obtained is the recommendation of polygamy as the first ruling.

Keywords: Polygamy, Intercourse, Marriage.

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال نهم، شماره هفدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۱)
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

حکم تکلیفی و اولی تعدد زوجات

مهدی کاظمی^۱

چکیده

ازدواج دائم با بیش از یک زن (تا حداکثر چهار زن) در اسلام منعی ندارد و از طرفی واجب نیز نمی‌باشد؛ اما در این که حکم اولی و تکلیفی آن فارغ از شرایط خاص، استحباب، اباحه و یا کراهت باشد، بین فقها اختلاف است. گرچه در مورد تعدد زوجات بحث‌ها و تحقیقات زیادی صورت گرفته، اما کمتر به حکم تکلیفی آن پرداخته شده و بحث‌هایی چون فلسفه تعدد زوجات، شرط عدالت و... بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. در نتیجه ضروری است تا حکم تعدد زوجات که اختلاف زیادی بین فقها در مورد آن وجود دارد، به طور مفصل مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت این پرسش مهم که «حکم اولی و تکلیفی تعدد زوجات چیست»، پاسخ داده شود. این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخ به این سؤال بر آمده است و نتیجه‌ای که حاصل شد، استحباب تعدد زوجات به عنوان حکم اولی می‌باشد. کلیدواژگان: تعدد زوجات، چندهمسری، طروقه، ازدواج.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که اخیراً در سطح جامعه مطرح شده است، حکم تکلیفی تعدد زوجات است. مراد از تعدد زوجات یعنی که مردی بیش از یک همسر دائم اختیار کند و مراد از حکم تکلیفی در این مقاله، حکم اولی تعدد زوجات می‌باشد؛ در نتیجه حکم وضعی و همچنین حکم ثانوی در این نوشتار مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

با توجه به این که به موضوع حکم تکلیفی تعدد زوجات کمتر پرداخته شده است و تفکیکی بین حکم اولی و ثانوی تعدد زوجات در کلمات فقها وجود ندارد، بررسی تام و کامل اقوال و ادله در این زمینه ضروری بوده و همچنین مقدمه‌ای برای بررسی حکم ثانوی تعدد زوجات خواهد بود.

سوال اصلی که این مقاله در صدد پاسخ به آن است، حکم تکلیفی و اولی تعدد زوجات می‌باشد و سوالات فرعی عبارتند از:

با توجه به آیه سوم سوره نساء، حکم تکلیفی و اولی تعدد زوجات چیست؟ با توجه به روایات، حکم تکلیفی و اولی تعدد زوجات چیست؟ با توجه به سیره معصومین و تأسی به ائمه علیهم‌السلام، حکم تکلیفی و اولی تعدد زوجات چیست؟

فقها با توجه به آیه ۳ سوره نساء «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ» تعدد زوجات را جائز دانسته‌اند. بعضی از متأخرین استحباب تعدد زوجات را نیز مطرح کرده‌اند و علاوه بر اباحه بالمعنی الاعم، حکم خاص آن را استحباب دانسته‌اند. عده‌ای دیگر از فقها ادله استحباب را رد کرده و تعدد زوجات را مباح دانسته‌اند.

اولین کسانی که به استحباب تعدد زوجات تصریح کرده‌اند، شیخ حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۷۰) و مولی احمد نراقی (نراقی، ۱۴۲۵ق، ص ۷۳۸) می‌باشند که فقط به استحباب آن اشاره کرده‌اند؛ اما اولین کسی که برای استحباب تعدد زوجات استدلال کرد، صاحب جواهر است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۳۵) و پس از او فقها این بحث را استدلالی مطرح کرده‌اند.

مقاله «جستاری انتقادی در حکم تعدد زوجات» (دهقانی، پاییز ۱۴۰۰، شماره ۳، ص ۱۷۷ - ۱۵۱) و «حکم اولیة تعدد زوجات از منظر فقه امامیه» (شکوهی، بهار و تابستان ۹۹، شماره اول، ص ۱۶۰ - ۱۴۴) دو مقاله‌ای هستند که به بحث از حکم تعدد زوجات

پرداخته‌اند و با بیان اقوال مسئله و بیان مختصر بعضی از ادله، در نهایت اباحه تعدد زوجات را ترجیح داده‌اند.

نکاتی که این مقاله را نسبت به سایر تحقیقات متمایز می‌کند، عبارت است از:

۱. بیان ادله به صورت کامل و استدلال به روایاتی که مغفول واقع شده‌اند.
۲. بررسی کلام شیخ طوسی و تابعینش که فقها از آن کراهت تعدد زوجات را برداشت کرده‌اند؛ در حالی که کلام شیخ طوسی با اباحه نیز سازگار است و از طرفی شیخ طوسی اصلاً در مقام بیان حکم تعدد زوجات نمی‌باشد، بلکه در مقام رد داوود است و چه بسا کلامش قابل حمل بر اباحه باشد.

در این مقاله ابتدا اقوال فقها مطرح شده و ضمن بیان قائلین به کراهت، کلام شیخ طوسی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ زیرا برخی از فقها از کلام شیخ طوسی کراهت برداشت کرده‌اند. سپس ادله قائلین به استحباب و اباحه مطرح شده و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

ناگفته نماند که دلیل قائل به کراهت بلافاصله پس از ذکر قول به کراهت بیان شده و رد می‌گردد؛ زیرا از دلیل آن برمی‌آید که کراهت به عنوان حکم ثانوی بیان شده است و از آنجا که بحث در مورد حکم اولی تعدد زوجات است، این قول و دلیل آن، خروج از محل بحث می‌باشد.

۱. اقوال فقها در حکم تکلیفی تعدد زوجات

در مورد عدم وجوب تعدد زوجات بین فقهای عامه و خاصه اجماع وجود دارد؛ حتی در مورد عدم وجوب ازدواج اول نیز در بین امامیه اجماع وجود دارد و در میان عامه فقط داوود قائل به وجوب ازدواج اول شده است. (ابن قدامة المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴)

حرمت تعدد زوجات نیز مانند وجوب آن در میان فقها قائلی ندارد، اما همواره شبهه ابن ابی العوجاء در مورد حرمت آن مطرح بوده است که پاسخ آن را امام صادق علیه السلام به هشام فرمودند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶۲ و ۳۶۳)

۱-۱. استحباب

فقهایی که به استحباب تعدد زوجات قائل شده‌اند عبارتند از: شیخ حر عاملی (حر ۱۲۵

عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۷۰، مولی احمد نراقی (نراقی، ۱۴۲۵ق، ص ۷۳۸)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۳۵)، سید یزدی (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۹۷)، مرحوم بصری بحرانی (بصری، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۵)، مرحوم آقای تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۲۶۰)، مرحوم آقای شاهرودی (شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۱۹) و سید محمدحسین ترحینی (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۱۱۲).

همچنین آیت الله شبیری زنجانى استحباب تعدد زوجات را در بعضی شرایط ثابت می‌داند. (زنجانى، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰) آیت الله مکارم شیرازی نیز می‌فرماید: شاید اخبار تکثیر نسل بر استحباب تعدد زوجات دلالت کند. (یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۷۴۸)

۱-۲. اباحه

فقهایی که به اباحه تعدد زوجات قائل شده‌اند عبارتند از: شیخ طوسی^۱ (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴)، ابن براج (طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۴۲)، مرحوم طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸۸) و شیخ بهایی. (عاملی، ۱۴۲۹ق، ص ۶۱۸)

۱-۳. کراهت

تنها فقیهی که قائل به کراهت تعدد زوجات شده است و به آن تصریح کرده است، مرحوم اشتهااردی است. ایشان دلیل کراهت تعدد زوجات را این چنین بیان می‌کند که زنان در معرض خصومت و دشمنی قرار می‌گیرند و مردان نیز در معرض ترک عدالت قرار می‌گیرند. (اشتهااردی، ۱۴۱۷، صص ۲۰ و ۲۱)

۱-۳-۱. اشکال به دلیل کراهت

اگر مراد مرحوم اشتهااردی این است که در زمان ما و با تغییر شرایط، زنان در معرض خصومت و دشمنی و مردان در معرض ترک عدالت قرار می‌گیرند، در واقع در مقام بیان حکم ثانوی است که محل بحث نیست؛ ظاهراً مراد ایشان همین حکم ثانوی است، اما اگر مراد ایشان این است که حکم اولی تعدد زوجات، کراهت

۱. شیخ طوسی به اباحه تصریح نکرده است، اما در ادامه کلام ایشان مطرح شده و احتمالات مختلف در مورد آن بررسی می‌شود. با توجه به قرائنی که ذکر شده، مشخص می‌شود کلام ایشان با اباحه سازگار است.

است، اولاً مخالف اجماع فقها است؛ ثانیاً با توجه به سیره مستمره ائمه نمی‌توان به کراهت تعدد زوجات قائل شد؛ زیرا همسران ائمه نیز در معرض خصومت و دشمنی قرار داشتند؛ با این وجود ائمه اقدام به تعدد زوجات می‌کردند. این خصومت و دشمنی در صحیحۀ محمد بن مسلم به روشنی بیان شده است:

حسین بن سعید از نضر از هشام بن سالم از محمد بن مسلم نقل می‌کند: بر امام صادق علیه السلام در خیمه‌اش وارد شدم، در حالی که با زنی صحبت می‌کرد. کمی این پا و آن پا کردم. امام فرمود: نزدیک بیا. این ام‌اسماعیل است (همسر امام) و من یقین دارم که این مکان، مکانی است که خداوند حج اول او را تباه کرد. قصد احرام داشتم، پس گفتم که برایم در آن خیمه آب قرار دهید و کنیز آب را برد و آنجا گذاشت. با آن کنیز بودم... و سپس به او گفتم که سرت را بشوی و خوب خشک کن که مولایت (ام اسماعیل) متوجه نشود و زمانی که قصد احرام داشتی، بدنت را بشوی و سرت را نشوی تا ام اسماعیل به تو شک نکند. آن کنیز (پس از شستن سر و خشک کردن آن) داخل خیمه ام‌اسماعیل شد تا چیزی بردارد. ام اسماعیل سر او را لمس کرد و رطوبت را حس کرد. به همین دلیل سر کنیز را تراشید و او را کتک زد، پس به او گفتم که این مکانی است که خدا در آن حج تو را تباه کرد. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۴)

گرچه این روایت در مورد کنیز است، اما آنچه موجب این رفتار همسر امام و خصومت او نسبت به کنیز شد، غیرت زنانه بود و آنچه در جامعه ما موجب خصومت و دشمنی در تعدد زوجات می‌باشد، همان غیرت زنانه است که بین زنان امروز و زنان عصر ائمه مشترک است.

الحسین بن سعید (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۴۹)، النضر بن سوید (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۴۵)، هشام بن سالم (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۳۴) و محمد بن مسلم (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۲۳) همگی ثقه هستند و این روایت صحیحۀ می‌باشد.

۲-۳-۱. کلام شیخ طوسی و تابعینش

از کلام شیخ طوسی، ابن براج، امین الاسلام طبرسی و شیخ بهایی ممکن است کراهت تعدد زوجات استفاده شود، اما در واقع کلام ایشان در مقام بیان کراهت نیست، بلکه صرفاً در مقام نفی استحباب تعدد زوجات است.

شیخ طوسی در مبسوط می‌فرماید: بین فقها اختلافی نیست که مرد می‌تواند چهار همسر اختیار کند و مستحب است که مرد به یک همسر اکتفا کند. سپس می‌فرماید: داوود به استحباب عدم اکتفا به یک همسر قائل شده است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله نه همسر اختیار کرد. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴)

همو در خلاف می‌فرماید: بین فقها اختلافی نیست که مرد می‌تواند چهار همسر اختیار کند و مستحب است که به تعداد بیشتر که نمی‌تواند بر آن قیام کند، اقدام نکند. سپس دلیل خود را چنین بیان می‌کند: آنچه ما ذکر کردیم، اجماعی است و زیاده و نقصان از آن نیازمند دلیل است. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۱۱) ایشان در خلاف، استحباب اکتفا به یک همسر را به عدم توانایی مرد بر تعدد زوجات مقید کرده است.

کلام ابن براج مشابه کلام شیخ طوسی است و می‌فرماید: برای مرد ازدواج با چهار زن جائز است و مستحب است که بر یک همسر اکتفا کند. (طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۱۱) ظاهراً ابن براج به تبع شیخ طوسی این مطلب را بیان کرده است.

شیخ بهایی می‌فرماید: «شصت و نه امر به نکاح متعلق است: یک امر واجب و سی و چهار امر سنت، هشت امر حرام و بیست و شش امر مکروه». (عاملی، ۱۴۲۹ق، ص ۶۱۵) سپس سی و چهار امر سنت را می‌شمارد و می‌فرماید: «سی و سوم: بیشتر از یک زن آزاد نخواستن». (عاملی، ۱۴۲۹ق، ص ۶۱۸)

مرحوم تویسرکانی در حاشیه می‌فرماید: «استحباب این امر مشکل است». (عاملی، ۱۴۲۹ق، ص ۶۱۵)

۱-۳-۲-۱. احتمالات کلام شیخ طوسی و تابعینش

در کلام شیخ طوسی و تابعینش دو احتمال وجود دارد:

۱. قائل به استحباب تک‌همسری و کراهت تعدد زوجات هستند.
۲. قائل به استحباب تک‌همسری و عدم کراهت تعدد زوجات هستند و مردی را که ازدواج مجدد می‌کند تارک مستحب می‌دانند؛ نه مرتکب مکروه.

الف) موید احتمال اول (کراهت تعدد زوجات)

بعضی از فقها از کلام شیخ طوسی کراهت را برداشت کرده‌اند.

شهید اول نکاح را به حسب ناکح به احکام خمسہ تقسیم کرده است و یکی از مواردی را که به عنوان نکاح مکروه بیان می‌کند، کراهت نکاح با بیش از یک زن بنابر قول شیخ طوسی می‌باشد. (عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۰)

فاضل مقداد (حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۰۹) و شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۵) نیز همین کلام شهید اول را تکرار کرده‌اند. مقدس اردبیلی نیز از کلام شیخ طوسی کراهت برداشت کرده است. (اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۰۹)

صاحب جواهر نیز از کلام شیخ طوسی کراهت برداشت کرده است و پس از بیان ادله استحباب تعدد زوجات می‌فرماید: با توجه به این ادله، آنچه شیخ طوسی بیان کرده است که ازدواج با بیش از یک زن مکروه است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴)، ضعفش واضح است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۳۵)

آقای شاهرودی نیز می‌فرماید: کلام شیخ طوسی که قائل به کراهت ازدواج با بیش از یک زن شده است، ضعفش واضح است. (شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۱۹)
سید محمدحسین ترحینی نیز از کلام شیخ طوسی کراهت برداشت کرده است. (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۱۱۲)

ب) موید احتمال دوم (عدم کراهت تعدد زوجات)

کلام شیخ طوسی در خلاف و همچنین کلام مرحوم طبرسی در مورد استحباب اکتفا به یک همسر به عدم توانایی بر تعدد زوجات مقید شده است، حال آنکه بحث در مورد حکم اولی، تعدد زوجات است؛ یعنی حکم تعدد زوجات فارغ از عوارض جانبی بررسی می‌شود. در نتیجه کلام این دو فقیه از محل بحث خارج است.

اما کلام شیخ طوسی در مبسوط با توجه به اینکه ناظر به کلام داوود می‌باشد (که به استحباب تعدد زوجات قائل شده است) و در مقام رد قول اوست، در واقع نفی استحباب می‌کند و با اباحه و کراهت سازگار است و در صدد اثبات کراهت نمی‌باشد، بلکه صرفاً نفی استحباب می‌کند و بعید نیست که شیخ طوسی را قائل به اباحه بدانیم؛ زیرا کلام شیخ در خلاف که می‌فرماید: «آنچه ما ذکر کردیم، اجماعی است و زیاده و نقصان از آن نیازمند دلیل است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۱) با اباحه سازگار است؛ زیرا زیاده و نقصان از اباحه دلیل می‌خواهد. ابن براج هم ظاهراً به تبع

شیخ طوسی استحباب تک‌همسری را بیان کرده است.

شیخ بهایی نیز بعید است قائل به کراهت تعدد زوجات باشد؛ زیرا ایشان هم امور مستحب و هم امور مکروه را بیان کرده است و در امور مکروه اشاره‌ای به تعدد زوجات نکرده است؛ بلکه در امور مستحب فرموده است که تک‌همسری مستحب است؛ یعنی کسی که همسر دوم اختیار می‌کند، مستحبی را ترک کرده است؛ نه آن که مرتکب مکروهی شده باشد. در نتیجه به نظر می‌رسد، فقهایی که استحباب تک‌همسری را بیان کرده‌اند، ناظر به کراهت تعدد زوجات نیستند.

در پاسخ به فقهایی که از کلام شیخ طوسی کراهت برداشت کرده‌اند باید گفت: استحباب و کراهت «ضدین لا ثالث لهما» نیستند که اگر تک‌همسری مستحب باشد، تعدد زوجات مکروه باشد؛^۱ بلکه علاوه بر استحباب و کراهت، اباحه به عنوان حکم ثالث وجود دارد و با نفی استحباب، نمی‌توان حکم به کراهت کرد و احتمال اباحه نیز وجود دارد. به عنوان مثال، فرض کنید ایستاده آب نوشیدن در روز مستحب است. آیا کسی که در روز نشسته آب می‌خورد، مرتکب امر مکروهی شده است؟ واضح است استحباب ایستاده آب نوشیدن در روز ملازمه‌ای با کراهت نشسته آب خوردن در روز ندارد و نشسته آب خوردن در روز می‌تواند مباح باشد.

در نتیجه نمی‌توان گفت کلام شیخ طوسی در مبسوط و به تبع او کلام ابن براج در صدد بیان کراهت تعدد زوجات می‌باشد؛ بلکه کلام این دو اعم است که هم با اباحه و هم با کراهت سازگار است؛ اما از آنجا که کراهت، نیازمند بیان استدلال است و خود شیخ هم تصریح کرده است که زیاده و نقصان از آنچه بیان کرده است، نیازمند دلیل است و بیانی برای کراهت ذکر نکرده است، می‌توان شیخ طوسی و به تبع او ابن براج را قائل به اباحه تعدد زوجات دانست.

۲. بررسی ادله استحباب تعدد زوجات

بحث اصلی در حکم اولی تعدد زوجات، بحث در استحباب یا اباحه تعدد زوجات

۱. با فرض پذیرش این مبنا که اگر استحباب و کراهت ضدین لا ثالث لهما باشند، با استحباب تک همسری، چند همسری مکروه خواهد بود. با فرض عدم پذیرش این مبنا اشکال واضح‌تر خواهد بود و به هیچ عنوان نمی‌توان شیخ طوسی را قائل به کراهت تعدد زوجات دانست.

می‌باشد. قائلین به استحباب تعدد زوجات ادله‌ای را برای مدعای خود اقامه کرده‌اند و قائلین به اباحه، ادله قائلین به استحباب را رد کرده و ظهور ادله را اباحه دانسته‌اند. به همین دلیل، ادله قول به استحباب و اشکالاتش را بررسی می‌کنیم:

۱-۲. آیه «فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ»

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ...﴾؛ (نساء: ۳) و اگر می‌ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) عدالت را رعایت نکنید (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر.

صاحب عروه ازدواج دوم، سوم و چهارم را نیز مانند ازدواج اول مستحب دانسته است و استحباب را به ازدواج اول اختصاص نداده است و آیه «فَانْكِحُوا...» را به عنوان استدلال بیان کرده است. (یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۹۷)

استدلال به این آیه چنین است که «فَانْكِحُوا» امر است و ظهورش در وجوب، اما با توجه به این که می‌دانیم تعدد زوجات واجب نیست؛ زیرا اجماع بر عدم وجوب آن وجود دارد، در نتیجه امر که دال بر مطلق ترجیح است، بر استحباب حمل می‌شود؛ به بیان دیگر اقل مراتب امر، استحباب است و با توجه به اجماع بر عدم وجوب تعدد زوجات، استحباب آن ثابت می‌شود. (عاملی، ۱۴۲۷، ج ۶، ص ۱۱۲)

۱-۱-۲. اشکال به استدلال بر آیه «فَانْكِحُوا»

از نظر صاحب جواهر این آیه در مقام بیان عدم جواز ازدواج با بیش از چهار زن می‌باشد؛ در نتیجه از این آیه ترخیص ازدواج با دو، سه یا چهار زن استفاده می‌شود و ترغیبی در آن نمی‌باشد تا استحباب ثابت شود؛ در واقع «فانکحوا» در مقام ترخیص است، نه در مقام ترغیب؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «اگر این غذا برای تو ضرر دارد، از آن غذای دیگر بخور» به این معناست که آن غذای دیگر ضرری ندارد و شخص می‌تواند از آن بخورد (ترخیص دارد)؛ نه اینکه آن غذا مطلوب باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۱۱)

اکثر فقهای پس از صاحب جواهر نیز استدلال بر آیه را برای اثبات استحباب تعدد

زوجات ناتمام دانسته‌اند و پاسخی مشابه پاسخ صاحب جواهر را بیان کرده‌اند. (لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۷۵ و ۲۷۶؛ زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۵۱۰۴ و ۵۱۰۵؛ یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۷۴۸)

۲-۲. روایات

۲-۲-۱. صحیحہ معمر بن خلاد

«رَوَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنِ الرَّضَاءِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْغِطْرُ وَإِخْفَاءُ الشَّعْرِ وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ؛ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۲ و ۳۸۳)؛ سه چیز از روش پیامبران است: عطر، کوتاه کردن مو و کثرت زوجات».

۲-۲-۱-۱. بررسی سندی

طریق شیخ صدوق به معمر بن خلاد به این صورت است:
و ما كان فيه عن معمر بن خلاد فقد رويته عن محمد بن موسى بن المتوكل؛ و محمد بن علي ماجيلويه؛ و أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني - رضي الله عنهم - عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن معمر بن خلاد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۲۷)
محمد بن موسى بن متوكل (حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۴۹)، احمد بن زياد بن جعفر الهمداني (حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۹)، علی بن ابراهيم (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۶۰) و معمر بن خلاد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۲۱) توثیق شده‌اند.
محمد بن علی ماجیلویه توثیق صریح ندارد، اما اکثر شیخ صدوق از او وثاقتش را ثابت می‌کند. در نتیجه این روایت صحیح می‌باشد.

این روایت در کافی نیز با سند صحیح وارد شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۰)

۲-۲-۱-۲. بررسی دلالت روایت

علامه مجلسی دو معنا را در «کثرة الطروقة» محتمل می‌داند: کثرت ازواج یا کثرت جماع. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۵ و ۶) طبق این دو احتمال دلالت روایت بررسی می‌شود:
۱. کثرت ازواج: طبق این احتمال دلالت روایت بر استحباب تعدد زوجات روشن است.

۲. کثرت جماع: اگر معنای کثرة الطروقة، کثرت جماع باشد، روایت دلالتی بر استحباب تعدد زوجات ندارد؛ زیرا کثرت جماع با یک همسر نیز امکان دارد. البته با توجه به این که در ایام حیض زن، جماع حرام است و همچنین زن در بعضی از ایام، بیمار و یا باردار است، ممکن است گفته شود لازمه کثرت جماع، تعدد همسر می باشد. به نظر می رسد عوامل مختلفی در امکان کثرت جماع با یک زن دخیل است و ممکن است برای بعضی افراد به دلایلی امکان کثرت جماع با یک زن وجود نداشته باشد؛ در نتیجه ممکن است برای افراد مختلف، امکان یا عدم امکان کثرت جماع متفاوت باشد و برای افرادی که کثرت جماع با یک زن امکان ندارد، تعدد زوجات استحباب داشته باشد. اما این استحباب حکم اولی نمی باشد و در واقع، کثرت جماع مستحب است و استحباب تعدد زوجات به عنوان ثانوی می باشد که خارج از محل بحث است.

حال باید بررسی شود که کدام یک از این دو احتمال در معنای کثرة الطروقة صحیح است.

الف) بررسی دو احتمال در معنای «طروقة»

در کتب لغت، طروقة به معنای زوجه آمده است و به معنای جماع نیامده است. در العین (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۹۸)، المحيط فی اللغة (اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۲۰)، الصحاح (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۵۱۵)، معجم مقاییس اللغة (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۵۱)، مفردات (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۵۱۸)، اساس البلاغة (زمخشری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۰۳)، النهاية (ابن اثیر، ۱۳۶۷ق، ج ۳، ص ۱۲۲)، لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۱۶)، المصباح المنیر (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۷۱)، مجمع البحرین (طریحی، ۱۳۷۵ق، ج ۵، ص ۲۰۵) و تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۹۱) این معنا بیان شده است.

در نتیجه با توجه به کتب لغت، طروقة به معنای زوجه می باشد؛ البته در مجمع البحرین پس از بیان معنای طروقة، کثرة الطروقة در روایت را به معنای کثرت جماع دانسته است، (طریحی، ۱۳۷۵ق، ج ۵، ص ۲۰۵) اما با توجه به اینکه کتب فراوانی معنای زوجه را بیان کرده اند، اطمینان به آن حاصل می شود و معنای زوجه پذیرفته می شود. ۱۳۳

روایت دیگری که لفظ «طروقة» در آن به کار رفته و معنای طروقة در آن زوجه می‌باشد، می‌تواند موید دیگری در ترجیح معنای اول (کثرت زوجات) باشد:

«وَبِإِسْنَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَشْيَمَ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَمَتَّعْتُ مُنْذُ خَرَجْتُ مِنْ أَهْلِكَ قُلْتُ لَكثْرَةَ مَا مَعِيَ مِنَ الطَّرِيقَةِ أَغْنَانِي اللَّهُ عَنْهَا قَالَ وَإِنْ كُنْتَ مُسْتَعْنِيًا فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ تُخَيِّرَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۱۵) اسماعیل بن الفضل الهاشمی نقل کرده است که امام صادق عليه السلام به من فرمود: از زمانی که از نزد همسرت خارج شده‌ای، متعه کرده‌ای؟ گفتم: به خاطر کثرت زنانی که نزد من هستند، خداوند مرا از متعه بی‌نیاز کرده است. امام عليه السلام فرمود: گر چه بی‌نیاز از متعه هستی اما دوست دارم که سنت رسول خدا را زنده کنی.

با توجه به اسناد قبلی سند این روایت به این صورت می‌باشد: «مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ النُّعْمَانَ الْمُفِيدُ فِي رِسَالَةِ الْمُتَّعَةِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَشْيَمَ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ».

مراد از محمد بن محمد بن النعمان المفید، شیخ مفید است که از بزرگان و ثقه است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۹۹) جعفر بن محمد بن قولویه از اجلاء ثقات می‌باشد. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲۳) سعد بن عبدالله (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۷)، احمد بن محمد بن عیسی (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۵۱)، مروان بن مسلم (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۱۹) و اسماعیل بن فضل الهاشمی (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۲۴) نیز توثیق شده‌اند. علی بن احمد بن اشیم توثیق ندارد، اما با اکثر احمد بن محمد بن عیسی می‌توان وثاقت او را ثابت کرد.

در نتیجه این روایت صحیحه می‌باشد.

با توجه به این روایت و معنای لغوی طروقة، احتمال اول (کثرت ازواج) تقویت می‌شود؛ در نتیجه صحیحه معمر بن خلاد، قابلیت استدلال برای استحباب تعدد زوجات را دارد.

اینکه علامه مجلسی طروقة را به معنای جماع نیز دانسته، ممکن است به این

دلیل باشد که یکی از معانی حقیقی «طَرَقَ» کوبیدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۴۹) که با جماع مناسبت دارد، اما با توجه به شواهد بیان شده، معنای جماع برای طروقه بعید می‌باشد.

خبر حسن بن جهم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۴۳ و ۲۴۴) نیز به همین مضمون صحیحۀ معمر بن خلاد وارد شده است که به دلیل ضعف سندی صرفاً مؤید این روایت است.

روایت دیگری که استدلال به آن شبیه استدلال به صحیحۀ معمر بن خلاد می‌باشد به این صورت است: «قَالَ: تَعَلَّمُوا مِنَ الدَّيْكِ خَمْسَ خِصَالٍ مُحَافَظَتُهُ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَالْغَيْرَةِ وَالسَّخَاءِ وَالشَّجَاعَةِ وَكَثْرَةَ الطَّرُوقَةِ؛ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۸۲) پنج خصلت را از خروس بیاموزید: محافظت بر اوقات نماز، غیرت، سخاوت، شجاعت و کثرت الطروقه».

این روایت به خاطر مرفوع بودن آن، ضعیف می‌باشد.

خبر محمد بن عیسی نیز با همین مضمون وارد شده است که نحوه استدلال به آن نیز مانند صحیحۀ معمر بن خلاد است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۴۲)

۲-۲-۲. صحیحۀ صفوان بن مهران

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله... وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نَيْتٍ يُعْمَرُ فِيهِ الْإِسْلَامُ بِالنِّكَاحِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۸) نزد خداوند عزوجل چیزی محبوب‌تر از خانه‌ای که در اسلام به واسطه ازدواج آباد می‌شود، نیست».

نجاشی، محمد بن یحیی العطار (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۳) و صفوان بن مهران (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۹۸) را توثیق کرده است. شیخ طوسی نیز احمد بن محمد بن عیسی (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۵۱) و علی بن الحکم را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۶۳) در نتیجه این روایت صحیحۀ می‌باشد.

این روایت بیان می‌کند خانه‌ای که به واسطه ازدواج آباد می‌شود نزد خداوند محبوب‌ترین امر است. مردی که یک همسر دارد و ازدواج دوم می‌کند، مشمول این روایت می‌شود؛ زیرا به سبب ازدواج او با همسر دوم، خانه‌ای به واسطه ازدواج آباد

شده است؛ همچنین ازدواج سوم و چهار نیز مشمول این روایت می‌شوند. به نظر می‌رسد دلالت این روایت بر استحباب تعدد زوجات تام است و اطلاق آن شامل ازدواج مجدد مرد نیز می‌شود.

روایت دیگری وجود دارد که مضمون آن به این روایت نزدیک است: «رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَا يُنْبِئُ بِنَاءٍ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ؛ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳) نزد خداوند متعال هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج بنا نشده است».

عبدالله بن الحکم تضعیف شده است و توثیق ندارد. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۲۵) در نتیجه این روایت ضعیف است.

این روایت نیز به بیانی مشابه محبوبیت ازدواج دوم، سوم و چهارم مرد را ثابت می‌کند، اما با توجه به ضعیف بودن این روایت نمی‌توان آن را به عنوان دلیل مستقل ذکر کرد، بلکه صرفاً مؤید خواهد بود.

۳-۲-۳. موثقه عبدالله بن سنان

«عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ لِغَيْرِ عَدَّةٍ ثُمَّ أَمْسَكَ عَنْهَا حَتَّى انْقَضَتْ عِدَّتُهَا هَلْ يَصْلُحُ لِي أَنْ أَتَزَوَّجَهَا قَالَ نَعَمْ لَأَ تَتْرَكَ الْمَرْأَةَ بِغَيْرِ زَوْجٍ؛ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۵۸) از عبدالله بن سنان نقل شده است که از امام عليه السلام در مورد مردی سوال کردم که همسرش را بدون عده طلاق داده است، سپس از او امساک کرد تا این که عده‌اش سپری شد. آیا می‌توانم با او ازدواج کنم؟ امام عليه السلام فرمود: بله، زن بدون همسر رها نمی‌شود».

ضمیر در «عنه» به الحسن بن محمد بن سماعه که در سند قبل ذکر شده، بازمی‌گردد که واقفی ثقة می‌باشد. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۰) مراد از محمد بن زیاد، ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع است. عبدالله بن سنان توسط نجاشی توثیق شده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۴) در نتیجه این روایت موثقه می‌باشد.

استدلال به این روایت به این صورت است که امام عليه السلام در پاسخ به سؤال راوی می‌فرماید: بله، زن بدون همسر رها نمی‌شود. از آنجا که امام عليه السلام به «بله» اکتفا نکرد و در ادامه فرمود: «زن بدون همسر رها نمی‌شود»، مشخص می‌شود مجرد ماندن زنان

مطلوب نیست و ازدواج آن‌ها مطلوب است و لازمه این که زنان بدون همسر باقی نمانند این است که برخی از مردان اقدام به تعدد زوجات کنند؛ در نتیجه تعدد زوجات مطلوب است.

۱-۳-۲-۲. اشکال به موثقه عبدالله بن سنان

این استدلال در صورتی تمام است که تعداد زنان آماده ازدواج از تعداد مردان آماده ازدواج بیشتر باشند و در غیر این صورت استحباب را اثبات نمی‌کند؛ زیرا لازمه مجرد نماندن زنان، تعدد زوجات نیست و غرض با ازدواج اول مردان جامعه نیز حاصل می‌شود. در نتیجه این روایت، استحباب را به عنوان حکم اولی برای تعدد زوجات ثابت نمی‌کند. بله، این روایت مطلوبیت تعدد زوجات را در صورت فزونی دختران و زنان مجرد آماده ازدواج نسبت به پسران آماده ازدواج اثبات می‌کند.

۴-۲-۲. مرسله یونس

«عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي كُلِّ شَيْءٍ إِسْرَافٌ إِلَّا فِي النِّسَاءِ قَالَ اللَّهُ فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ...» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۸۱) در هر چیزی اسراف است، مگر در زنان. خداوند می‌فرماید: با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر». این روایت مرسل می‌باشد؛ در نتیجه جزء روایات ضعیف به شمار می‌آید.

۱-۴-۲-۲. دلالت روایت

سیاق حاکم بر این روایت، سیاق ترغیب، تشویق و تحریم است؛ به طوری که ضمن استناد به آیه «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ»، تعدد زوجات را خارج از محاسبات مربوط به زیاده‌روی و اسراف دانسته است که بیانگر نوعی محبوبیت در تعدد زوجات است.

۲-۴-۲-۲. اشکال به مرسله یونس

از این روایت استفاده می‌شود که اسراف محرم در غیر از نساء می‌باشد و در نساء، چنین حرمتی وجود ندارد؛ اما نفی حرمت، باعث اثبات استحباب نمی‌شود و ممکن ۱۳۷

است حکم تعدد زوجات اباحه باشد که با این روایت منافاتی ندارد. در واقع عدم حرمت با استحباب ملازمه‌ای ندارد؛ نه عقلاً، نه شرعاً و نه عادتاً. (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۹، ص ۲۱)

البته پاسخ اشکال این است که لسان روایت به گونه‌ای است که مطلوبیت تعدد زوجات از آن استشمام می‌شود؛ زیرا چنین لسانی در مطلوبیت سایر امور مثل عطر (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۱۲) و خیر (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۹۱) نیز استعمال شده است.

در هر صورت به دلیل ضعف سندی نمی‌توان به این روایت استدلال کرد.

۲-۲-۵. روایات سنت بودن نکاح

صاحب جواهر روایاتی را برای اثبات استحباب تعدد زوجات بیان کرده است:

۲-۲-۵-۱. صحیحہ ابن القداح

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ... رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: ... وَمِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۴) ... و ازدواج از سنت من است».

مراد از «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ» طبق آنچه علامه حلی از شیخ کلینی نقل کرده است، علی بن محمد بن علان، محمد بن ابی‌عبدالله، محمد بن الحسن و محمد بن عقیل الکلینی می‌باشد. (حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۲)

علی بن محمد بن علان (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۶۰)، دایی شیخ کلینی و محمد بن ابی‌عبدالله (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۷۳) توسط نجاشی توثیق شده‌اند.

محمد بن الحسن الطائفی الرازی توثیق ندارد، اما با توجه به اکتار روایت شیخ کلینی از او وثاقتش ثابت می‌شود.

محمد بن عقیل الکلینی توثیق نشده است و نمی‌توان او را توثیق کرد.

با توجه به توثیق سه نفر از این افراد، اشکالی در «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» وجود ندارد. در مورد وثاقت سهل بن زیاد اختلاف وجود دارد؛ شیخ طوسی در رجال خود او را توثیق کرده است (طوسی، ۱۴۲۷، ص ۳۸۷)، اما در فهرست او را تضعیف کرده است.

(طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۸) نجاشی نیز او را تضعیف کرده و گفته است که احمد بن محمد بن عیسی به غلو او شهادت داده است؛ (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۵) اما به نظر می‌رسد بتوان وثاقت او را ثابت کرد؛ زیرا شیخ کلینی در کافی روایات زیادی را از طریق «عدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد» روایت نموده است و این امر نشانه اعتماد کلینی بر اوست. از دیگر قرائن، اکثار روایت علی بن محمد بن علان الکلبینی از سهل بن زیاد است. تضعیف سهل بن زیاد به جهت اعتقاد غلو او بوده است؛ زیرا او روایات غلوآمیز را نقل کرده است، در حالی که اولاً نقل روایات غلو به معنای اعتقاد به غلو نیست و ثانیاً معنا و مفهوم دقیق غلو مورد اختلاف است و تضعیف به جهت غلو، امری اجتهادی و حدسی است، حال آنکه در توثیق و تضعیف، شهادت حسی ملاک است. (زنجان، ۱۴۱۹ق، ج ۲۱، ص ۶۸۳۵) در نتیجه سهل بن زیاد توثیق می‌شود.

جعفر بن محمد الاشعری توثیق ندارد، اما با اکثار ابراهیم بن هاشم و سهل بن زیاد می‌توان وثاقت او را ثابت کرد. همچنین محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الاشعری، صاحب نوادر از او روایت دارد و با توجه به این که جزء مستثنیات ابن ولید نمی‌باشد، جزء کسانی است که ابن ولید او را توثیق کرده است.

مراد از ابن القداح، عبدالله بن میمون بن الأسود القداح است که توسط نجاشی توثیق شده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۳) در نتیجه این روایت صحیح است.

۲-۲-۵-۲. صحیحہ محمد بن مسلم

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۹) رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس دوست دارد از سنت من تبعیت کند، همانا ازدواج کردن از سنت من است».

نجاشی، محمد بن یحیی العطار را توثیق کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۳) شیخ طوسی، احمد بن محمد بن عیسی را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۵۱) القاسم بن یحیی توثیق ندارد، اما با اکثار جلیل می‌توان وثاقت او را ثابت کرد؛

زیرا احمد بن محمد بن عیسی روایات زیادی از او نقل کرده است. از ادله‌ای که جهت اثبات دلالت اکثر روایت شخص جلیل بر وثاقت مروی عنه می‌توان اقامه کرد، بدین صورت است:

مقدمه اول: آن راوی که فرد جلیل از او روایات زیادی نقل می‌کند از سه حال خارج نیست:

حالت اول: وثاقت راوی مذکور در نزد فرد جلیل معلوم باشد.
حالت دوم: ضعف راوی مذکور در نزد فرد جلیل معلوم باشد.
حالت سوم: حال راوی مذکور از جهت وثاقت و ضعف در نزد فرد جلیل مجهول باشد.

مقدمه دوم: از بین سه حالت فوق، حالت دوم بعید است؛ زیرا داعی عقلایی بر نقل روایت، اعتماد بر آن می‌باشد و با وجود معلوم بودن ضعف راوی، اعتماد به روایت او ممکن نیست.

همچنین حالت سوم نیز بعید است؛ زیرا روایت زیاد فرد جلیل از یک راوی مستلزم کثرت معاشرت با او می‌باشد و مجهول بودن حال راوی در نزد فرد جلیل با وجود کثرت معاشرت بعید است.

بنابراین حالت اول متعین می‌باشد و باید گفت روایت زیاد فرد جلیل از یک راوی کاشف از وثاقت آن راوی در نزد فرد جلیل می‌باشد.
مقدمه سوم: با ثبوت وثاقت راوی در نزد فرد جلیل، وثاقت او در نزد ما نیز ثابت می‌شود؛ زیرا اصل اولی در نزد عقلا عدم خطای فرد در امور حسّی و قریب به حسّ است.

الحسن بن راشد نیز توثیق ندارد و با اکثر القاسم بن یحیی، وثاقتش ثابت می‌شود. ابن ابی عمیر نیز از او روایاتی را نقل کرده است. در نتیجه از راه مشایخ ثقات نیز می‌توان او را توثیق کرد. در مورد ابن ابی عمیر، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی و صفوان بن یحیی گفته شده است: «جز از ثقه نقل نمی‌کنند». (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۴)

محمد بن مسلم از اصحاب اجماع و از ثقات جلیل است. (کشی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۸)
در نتیجه این روایت صحیحه می‌باشد.

سپس صاحب جواهر دو روایت دیگر که مضمون مجموع آن دو مشابه صحیحۀ ابن القداح و صحیحۀ محمد بن مسلم است، بیان می‌کند:

«قَالَ النَّكَاحُ سُتِّي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُتِّي فَلَيْسَ مِنِّي؛ (شعیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۴) ازدواج از سنت من است و هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست». این روایت مرسل است و جزء روایات ضعیف به شمار می‌آید. البته با توجه به این که این روایت در مورد مستحبات است، ممکن است صاحب جواهر از باب تسامح در ادله سنن به آن اعتماد کرده باشد.

«الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرْقِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ... ثُمَّ قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم] ... فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُتِّي فَلَيْسَ مِنِّي؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۹۶) ... هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست».

این روایت به واسطه «بعض رجاله» مرسل است. ممکن است اعتماد صاحب جواهر به این روایت نیز از باب تسامح در ادله سنن باشد؛ همچنین ممکن است با توجه به تکرار این مضمون در روایات ضعیف دیگر به صدور آن اطمینان یافته باشد. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۲۵) مضمون این دو روایت به ضمیمه هم، مانند صحیحۀ ابن القداح و صحیحۀ محمد بن مسلم است.

۳-۲-۲. دلالت روایات سنت بودن نکاح

پس از ذکر این روایات، صاحب جواهر به بیان استدلال می‌پردازد و می‌فرماید: سنت و طریقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا واجب است و یا مستحب؛ زیرا به مباح و مکروه، سنت پیامبر گفته نمی‌شود. در نتیجه، ازدواج که سنت پیامبر است، واجب یا مستحب می‌باشد و شامل ازدواج دوم، سوم و چهارم نیز می‌شود و از آنجا که اجماعاً ازدواج دوم، سوم و چهارم واجب نیست، استحباب آن ثابت می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۱۲)

۴-۲-۲. اشکال به روایات سنت بودن نکاح

این روایت ناظر به مطلوبیت طبیعت ازدواج است و در واقع تشویق به تزویج و ۱۴۱

عدم عزوبت است؛ در نتیجه عدم عزوبت مطلوب است و مطلوبیت تعدد زوجات از آن استفاده نمی‌شود. در واقع نسبت به ازدواج دوم، سوم و چهارم اطلاق ندارد؛ زیرا از این جهت در مقام بیان نمی‌باشد و در مقام بیان مطلوبیت صرف الوجود ازدواج است. قرینه بر این معنا ذیل روایت است: «فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»؛ زیرا کسی که ازدواج دوم، سوم یا چهارم را ترک کند، قطعاً از سنت پیامبر رویگردان نشده است و «فلیس منی» در مورد او صدق نمی‌کند.

۲-۲-۶. جمع‌بندی روایات

از میان روایات، صحیحہ معمر بن خلاد و صحیحہ صفوان بن مهران از نظر سندی و دلالی تام بودند و استحباب تعدد زوجات را اثبات کردند. مرسله یونس گرچه از نظر دلالت تام بود، اما به دلیل مرسله بودن و ضعف سندی دلیل مستقلاً نمی‌باشد و صرفاً مؤید است.

۳. سیره ائمه

یکی از ادله‌ای که بعضی از فقها برای اثبات استحباب تعدد زوجات به آن تمسک کرده‌اند، سیره ائمه می‌باشد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۳۵؛ عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۱۱۲) برخی از معاصران این استدلال را تام ندانسته و اثبات استحباب تعدد زوجات به طور مطلق را به واسطه سیره نپذیرفته‌اند:

در مورد استحباب تعدد زوجات، گاهی به سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام تمسک می‌شود (با توجه به اختصاصی بودن پاره‌ای از احکام در مورد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به سیره پیامبر نمی‌شود استدلال نمود). به نظر ما این استدلال صحیح نیست؛ زیرا این عمل ائمه علیهم‌السلام به خاطر نفوذ پیدا کردن در بین همه طوایف و اقشار جامعه بوده تا اینکه به واسطه این خویشاوندی‌ها بتوانند پیام و رسالت خود را بیشتر گسترش دهند و از طرفی مسئله ازدیاد نسل مسلمین و شیعیان و جهاتی از این قبیل و همچنین نبودن مشکلات اداره کردن آنها در مورد فعل ائمه علیهم‌السلام بوده است؛ با توجه به این نکات، اثبات استحباب تعدد زوجات به طور مطلق و بدون در نظر گرفتن این خصوصیات برای همه به عنوان حکمی کلی مورد اشکال است. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۵۱۰۴)

سیره معصومان به این بیان که فعل معصوم به قرینه تکرار بر استحباب دلالت می‌کند، نیازمند بررسی صغروی و کبروی است؛ یعنی اولاً باید بررسی شود که آیا فعل معصوم به قرینه تکرار در غیر عبادات بر استحباب دلالت می‌کند و ثانیاً آیا تعدد زوجات، فعل مستمر ائمه بوده است؟ این موضوع در مقاله‌ای دیگر بررسی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در بحث حکم تکلیفی و اولی تعدد زوجات، دو قول در مسئله وجود دارد: اباحه و استحباب. قائلین به استحباب با تمسک به قرآن، روایات و سیره در صدد اثبات استحباب می‌باشند و قائلین به اباحه با رد ادله قائلین به استحباب در صدد اثبات اباحه هستند.

برخی از قائلان به استحباب برای اثبات استحباب تعدد زوجات به آیه سوم سوره نساء تمسک کرده‌اند؛ اما با توجه به اینکه آیه در مقام بیان ترخیص ازدواج با دو، سه یا چهار زن است و ترغیبی در آن نمی‌باشد، استحباب از آن استفاده نمی‌شود. از میان روایات نیز اکثر روایات از نظر سندی یا دلالتی و یا از هر دو جهت دارای اشکال هستند و نمی‌توان برای استحباب تعدد زوجات به آنها تمسک کرد. فقط صحیحه معمر بن خلاد و صحیحه صفوان بن مهران از نظر سندی و دلالتی تام هستند و استحباب تعدد زوجات را به عنوان حکم اولی ثابت می‌کنند. صحیحه معمر بن خلاد، «کثرة الطروقة» را از سنن انبیا ذکر کرده است و با توجه به قرائنی که ذکر شد، معنای زوجه برای طروقه ترجیح دارد. صحیحه صفوان بن مهران نیز خانه‌ای را که به واسطه ازدواج آباد می‌شود، محبوب‌ترین چیزها نزد خداوند دانسته و اطلاق آن شامل ازدواج دوم، سوم و چهارم نیز می‌شود. برخی از فقها نیز برای اثبات استحباب تعدد زوجات به سیره ائمه استدلال کرده‌اند که این استدلال نیز مورد مناقشه قرار گرفته است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
۱. ابن ابی الجمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ*. تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء علیه السلام للنشر.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*. تحقیق: محمود محمد طناحی، قم: اسماعیلیان.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق و تصحیح: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن قدامة المقدسی، موفق الدین ابی محمد عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق)، *المغنی*. قاهره: مکتبه القاهره.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفكر و دار صادر.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *زبده البیان فی احکام القرآن*. تهران: المکتبه الجعفریه لإحیاء الآثار الجعفریه.
۷. اشتهازی، علی پناه (۱۴۱۷ق). *مدارک العروه*. تهران: دارالاسوه للطباعة و النشر.
۸. بصری بحرانی، زین الدین محمد امین (۱۴۲۷ق). *کلمة التقوی*. قم: سید جواد وداعی (ناشر).
۹. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق). *صراط النجاة*. قم: دار الصدیقة الشهیده.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *هدایة الامة الی احکام الائمة علیهم السلام*. تحقیق آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی گروه حدیث، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۱ق). *رجال العلامة الحلی* - خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال. نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریة.
۱۴. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. حلی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۳ق). *نضد القواعد الفقہیة علی مذهب الإمامیة*. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم.
۱۷. زبیدی، محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. تحقیق و تصحیح: علی شیری، بیروت: دار الفكر.

۱۸. الزمخشري، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد (۱۴۱۹ق). *أساس البلاغة*. تحقيق: محمد باسل عيون السود، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۹. زنجاني، سيد موسى شبيري (۱۴۱۹ق). *كتاب نکاح*. تحقيق و تصحيح: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۰. سبزواری، سيد عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). *مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*. تحقيق: مؤسسه المنار، قم: مؤسسه المنار.
۲۱. شاهرودی، سيد محمود (۱۴۱۷ق). *معجم فقه الجواهر*. تحقيق: جمعی از پژوهشگران زیر نظر سيد محمود هاشمی شاهرودی، بيروت: الغدير للطباعة والنشر.
۲۲. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). *جامع الاخبار*. نجف: مطبعة حیدریه.
۲۳. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. تحقيق: محمد حسن آل یاسین، بيروت: عالم الكتاب.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. تحقيق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۲۵. طبرسی، امین الإسلام فضل بن حسن (۱۴۱۰ق). *المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۲۶. طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). *المهذب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین*. تحقيق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق). *فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*. قم: ستاره.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). *رجال الطوسی*. تحقيق و تصحيح: جواد قیومی اصفهانی، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*. تحقيق: حسن موسوی خراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الامالی*. تحقيق: مؤسسه بعثت، قم: دارالثقافة للطباعة والنشر والتوزيع.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. تحقيق و تصحيح: علی خراسانی، سيد جواد شهرستانی، مهدی طه نجف، و مجتبی عراقی، قم: انتشارات اسلامی.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *العدة فی أصول الفقه*. قم: محمد تقی علاقبندیان.
۳۵. عاملی بهاء الدین، محمد بن حسین (شیخ بهایی) (۱۴۲۹ق). *جامع عباسی و تکمیل آن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۶. عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۳۷. عاملی، سید محمدحسین ترحینی (۱۴۲۷ق). الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية. قم: دار الفقه للطباعة والنشر.
۳۸. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (بی‌تا). القواعد والفوائد. قم: کتابفروشی مفید.
۳۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی. تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۴۱. فیومی، احمد بن محمد مقری (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: دار الرضی.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتب.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۴۴. لکنرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۱ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - النکاح. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عج).
۴۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (عج). تحقیق و تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (عج).
۴۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی. تحقیق و تصحیح: سید موسی شبیری زنجانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۸. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۹. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۲۵ق). الحاشية على الروضة البهية. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۰. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۸ق). العروة الوثقی مع التعليقات. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (عج).
۵۱. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.